

فصلنامه مطالعات سیاسی  
سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۸  
صفحات: ۲۰۴-۱۸۷  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۲۹

## بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری ایران هراسی در غرب پس از انقلاب اسلامی

علیرضا امینی\*

### چکیده

ایران هراسی بدون شک، یکی از مهم‌ترین ابزارهای غرب برای مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب تا کنون بوده است. این مسأله تحت تأثیر توانمندی‌های بالقوه و بالفعل قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و در راستای تلاش غرب برای مقابله با وجهه فرهنگی پیام انقلاب ایران در دستور کار غرب بوده است. در این چارچوب، غرب با استفاده از تاکتیک‌های مختلف و در سطوح گوناگونی درصدد القای تهدید ایران برای منطقه و جهان برآمده و به ترویج ایران هراسی دست زده است. بنابراین با توجه به اهمیت درک ریشه‌ها و دلایل ایران هراسی، این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر آن، ابعاد، سطوح و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

### کلیدواژه‌ها

ایران، ایران هراسی، غرب، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی.

## مقدمه

ایران هراسی یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین استراتژی‌های غرب علیه انقلاب اسلامی ایران به حساب می‌آید. این گفتمان که به مثابه یک پروژه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و تلاش این انقلاب برای ارائه یک الگوی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نوین برپایه احکام الهی و صدور آن به سایر کشورها در دستور کار غرب قرار گرفت تلاش دارد تا جمهوری اسلامی ایران که به عنوان یک نظام مردمسالار دینی از بطن انقلاب اسلامی بوجود آمده بود را به عنوان یک تهدید تلقی نموده و زمینه‌های نگرانی و هراس از آنرا در سطح منطقه خاورمیانه و در کل جهان بگستراند. در واقع با توجه به اینکه از ابتدای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، ابعاد ایجابی و سلبی این نظام، در تعارض اساسی با منافع دولت‌های غربی قرار گرفته لذا تلاش شده است تا انواع حمله‌های تبلیغاتی از جانب غرب علیه آن صورت گیرد. در این میان، مسائلی مانند گروگان‌گیری، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به تحریک غرب، وضع انواع تحریم‌ها علیه ایران و سرانجام تلاش برای ارائه تصویری منفی از نظام اسلامی نزد افکار عمومی جهان، آن دولت‌ها را بیشتر از پیش به مقابله جدی با انقلاب اسلامی کشانیده است. با گذشت زمان، با توجه به ماهیت الهام بخش انقلاب اسلامی که ستم دیدگان و به ویژه مسلمانان جهان را به مقاومت در برابر قدرت‌های استعماری دعوت می‌کرد، نظام اسلامی در برابر اتهام صدور انقلاب، ترویج تروریسم و کارشکنی در روند صلح خاورمیانه قرار گرفت. لازم به ذکر است که غرب در مقابله خود با انقلاب اسلامی کوشید تا با توسل به دیدگاه‌های نظریه پردازانی چون «ساموئل هانتینگتون» و «برنارد لوئیس»، چهره‌ای نادرست و خطرناک از اسلام و مسلمانان ارائه دهد و مسلمانان را مردمانی عقب افتاده، اسلام را ضد دموکراسی، و برخورد میان اسلام و تمدن غرب را اجتناب ناپذیر جلوه دهد. از این رو، محافل غربی تمام تلاش خود را به عمل آورند تا پدیده فرهنگی انقلاب اسلامی را که در ماهیت و روش یک پدیده کاملاً فرهنگی است به عنوان یک پدیده امنیتی، نظامی و هجومی معرفی کنند و مردم کشورهای غرب و جهان و افکار عمومی جهانی را از این پدیده بترسانند. در همین راستا بود که در سال‌های اخیر، برنامه هسته‌ای ایران و مسئله گسترش سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان تهدیدی عمده برای منطقه و جهان مطرح شد. این مقاله می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که شکل‌گیری پدیده ایران هراسی بر اساس چه ریشه‌ها و زمینه‌هایی و با چه اهداف و دلایلی صورت می‌گیرد؟

## ۱. مبانی نظری

ایران‌هراسی را می‌توان از زوایای مختلف نظری مورد بررسی قرار داد اما بررسی آن در چارچوب گفتمان بهتر می‌تواند چگونگی شکل‌گیری و ابعاد و زوایای آن را نشان دهد. این مسأله به دلیل ماهیت مبتنی بر ذهنیت ایران‌هراسی و نقش سازه‌های گفتمانی در شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی است. بر این اساس در ادامه به بررسی نظریه گفتمان با تأکید بر دیدگاه «لاکلا» و «موفه» و چگونگی شکل‌گیری گفتمان ایران‌هراسی پرداخته می‌شود.

نظریه گفتمان از جمله نظریاتی است که در علوم مختلف از زبان‌شناسی، ادبیات و فلسفه تا جامعه‌شناسی و علوم سیاسی مطرح شده و مورد استفاده قرار گرفته است. ظهور این نظریه تحت تأثیر نارضایتی از کاربرد روش اثباتی در این علوم بویژه تحت تأثیر رفتارگرایی بوده است. در علوم سیاسی، رشد این نظریه تحت تأثیر چرخش زبانی در دهه ۱۹۷۰ و نظریه‌های هرمنوتیک، نظریه انتقادی و پس‌اساختارگرایی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قرار داشته است. اوج کاربرد نظریه گفتمان در علوم سیاسی توسط اندیشمندانی مانند «فوکو»، «لاکلا» و «موفه» ارائه شده است. در این میان، به طور خاص، آنچه تحلیل گفتمانی «لاکلا» و «موفه» را از دیگر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه، به جامعه و سیاست است.

با این وجود، مفهوم گفتمان در نظریات مختلف مطرح شده، معانی متفاوتی داشته است. از دیدگاه «لاکلا» و «موفه» گفتمان را یک نظام معنایی می‌توان در نظر گرفت که واحدهای آن معنای خود را براساس صورت‌بندی خاصی کسب می‌کنند که شکل‌دهنده گفتمان مزبور است؛ گفتمان از طریق ابزار زبانی به بازنمایی و یا ایجاد واقعیت اجتماعی می‌پردازد. همه چیز وقتی معنادار می‌شود که در چارچوب یک گفتمان قرار گیرد. این سخن همچنین بدان معناست که در چارچوب گفتمان‌های گوناگون اشیا و پدیده‌ها معانی متفاوتی پیدا می‌کنند. در این زمینه، لاکلا و موفه مثال جالبی دارند و می‌گویند سنگ با قرار گرفتن در بافت‌های متفاوت اجتماعی معانی متفاوتی پیدا می‌کند. از یک سو، سنگ می‌تواند نوعی مصالح ساختمانی باشد و یا از آن به‌عنوان یک سلاح استفاده شود یا این که معرف شیئی قیمتی باشد و یا از ارزش باستان‌شناسی برخوردار باشد (هوارث، ۱۳۷۷: ۶).

بنابراین، از دیدگاه «لاکلا» و «موفه»، گفتمان‌ها تصور ما از حقیقت و جهان را شکل می‌دهند و فهم امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان حقیقت، تنها در درون ساخت‌های

گفتمانی امکان‌پذیر است. به طور کلی، در این نگرش به گفتمان، شیوه یا شیوه‌هایی که در آن، نظام‌های معانی یا «گفتمان‌ها»، فهم مردم را از خود در جامعه شکل می‌دهند و بر فعالیت‌های آنان تأثیر می‌گذارند؛ بررسی می‌شود. هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز محصول زبان و گفتمان‌ها هستند و تغییر در گفتمان، تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت. همچنین، نزاع گفتمانی، به تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی می‌انجامد. این نظریه، بر تاریخی و اجتماعی بودن هویت و دانش انسانی نیز تأکید می‌کند (صدرا، ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۷۴).

براین اساس، در نظریه «لاکلا» و «موفه»، هویت، ثابت، دائمی و از پیش تعیین شده نیست. هویت‌ها را گفتمان‌ها ایجاد می‌کنند و شکل‌گیری گفتمان مقدم بر شکل‌گیری هویت‌هاست (Smith, 1998: 56). بنابراین هویت‌ها گفتمانی‌اند و به عبارت بهتر هویت‌ها موقعیت‌هایی هستند که در درون گفتمان‌ها به فرد یا گروه اعطا می‌شوند. هویت گفتمانی از طریق زنجیره هم‌ارزی که در آن نشانه‌های مختلف در تقابل با زنجیره‌هایی دیگر با هم مرتبط شده‌اند ایجاد می‌شود. هویت‌ها همچون نشانه‌های زبانی در تمایز با غیر شکل می‌گیرند و لذا ارتباطی و نسبی‌اند و هیچ‌گاه کاملاً تثبیت نمی‌شوند (Jurgensen & Phillips, 2002: 43). به عبارت دیگر، معنای یک نشانه در درون یک گفتمان هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شود و همواره احتمال رسوخ معنایی دیگر و گفتمانی دیگر وجود دارد، لذا هویت گفتمانی متزلزل و ناپایدار است. دلیل این تزلزل وجود منازعه بی‌پایان گفتمانی و خصومت است.

در این میان، مفهوم دیگری که «لاکلا» و «موفه» برای چگونگی غلبه یک گفتمان در یک دوره بر سایر گفتمان‌ها استفاده می‌کنند، هژمونیک شدن یک گفتمان است. هژمونی مفهومی است که «لاکلا» و «موفه» آن را از «آنتونیو گرامشی» به وام گرفته‌اند. «گرامشی» از این مفهوم در جهت توجیه اتحاد و انسجام طبقات استفاده کرد. وی دریافته بود که تنها با تکیه بر عنصر اقتصاد که در ایدئولوژی مارکسیستی حکم زیربنا را دارد، نمی‌توان وضعیت طبقات را تبیین کرد. از دیدگاه «گرامشی»، هویت‌های فردی و جمعی و انسجام طبقاتی محصول هژمونی است و پیامد قوانین عینی و ضروری حوزه اقتصاد نمی‌باشد. از سوی دیگر، هژمونی فرایند تثبیت موقت هویت‌هاست، پس در منطق هژمونی هویت‌های ثابت و عینی وجود ندارند و هویت‌ها حاصل مفصل‌بندی‌های هژمونیک می‌باشند که حالتی کاملاً امکانی و تصادفی دارند. بنابراین، هژمونی یا اعمال هژمونیک در چارچوب نظریه تحلیل گفتمان «لاکلا» و «موفه» ماهیتی سیاسی دارند. در واقع، هژمونی عبارت از ایجاد پیوند میان هویت‌های متفاوت و نیروهای

سیاسی در راستای یک پروژه مشترک و ایجاد نظم اجتماعی جدید از عناصر پراکنده و متنوع است. لذا هژمونی را می‌توان روند تولید معنا برای تثبیت قدرت تعبیر کرد (Howarth, 2000: 4).

باتوجه به آنچه از نظریه گفتمان از دیدگاه «لاکلا» و «موفه» مطرح شد، ایران هراسی را می‌توان گفتمانی دانست که غرب برای مقابله با قدرت انقلاب اسلامی ایجاد کرده و در راستای حفظ قدرت و منافع غرب در منطقه، تثبیت نموده است. در واقع، غرب با بازنمایی هویت انقلاب اسلامی تلاش کرده تا از تبیین ماهیت واقعی آن و پیامان برای منطقه و جهان با ایجاد یک هویت بدیل ایران هراسانه جلوگیری کند و از طریق ابزارهای مختلف نسبت به هژمونیک شدن این گفتمان ایران هراسی بهره برده است. در ادامه این مقاله، ابتدا به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این گفتمان و سپس ابزارها و روش‌های بسط آن پرداخته می‌شود.

## ۲. عوامل مؤثر در شکل‌گیری ایران هراسی

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تفکری بر ایران حاکم شده که از ماهیتی فرهنگی، ایده مند، اثرگذار برخوردار بود و پدید آورنده یک نظام سیاسی گردید که رسالت خویش را ارائه یک الگوی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نوین بر پایه احکام الهی عنوان کرده بود. این الگو با الگوهای غالب در دنیای آن روز (لیبرالیسم و کمونیسم) در تعارض قرار داشت. از این رو، جمهوری اسلامی ایران از سوی غرب به عنوان یک تهدید تلقی شد و مورد انواع حمله‌های تبلیغاتی از جانب آن قرار گرفت. با این وجود، عوامل متعددی در شکل‌گیری ایران هراسی در غرب نقش داشته‌اند که می‌توان این عوامل را به صورت زیر برشمرد:

### ۲-۱. توانایی‌ها و قدرت بالقوه و بالفعل ایران

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ایران هراسی به توانایی‌ها و قدرت بالقوه و بالفعل ایران برمی‌گردد. این مساله تحت تأثیر عواملی نظیر ویژگی‌های جغرافیایی، منابع طبیعی، کیفیت و تراکم جمعیت، توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی و قابلیت نظامی ایران است. این توانایی‌های بالقوه و بالفعل ایران را می‌توان به دو دسته توانایی‌های ذاتی و توانایی‌های اکتسابی تقسیم کرد که موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی از جمله توانایی‌های ذاتی و قابلیت‌های نظامی و اقتصادی و تکنولوژیکی از جمله توانایی‌های اکتسابی محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، علاوه بر این عوامل مادی قدرت می‌توان از عوامل غیرمادی قدرت نیز سخن به میان آورد. در میان این عوامل

می‌توان از قدرت نرم ایران و مبانی گفتمان انقلاب اسلامی ایران در میان جوامع مسلمان و به‌ویژه شیعیان منطقه یاد کرد. بر این اساس، مسلماً ایران فارغ از نظام سیاسی آن نیز یک کشور با قابلیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل قدرتمند در منطقه به حساب می‌آید (Eisenstadt, 2015:12-15).

از سوی دیگر، تاریخ سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد که دولتهای قدرتمند، همواره در دیگران احساس تهدید ایجاد کرده‌اند؛ زیرا آنان هرگز مطمئن نیستند که این دولت‌ها چگونه از تواناییهای خود استفاده خواهند کرد. در واقع به موازاتی که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، دیگران نگران سوءاستفاده احتمالی این دولت از قدرت خود شده و در پی جلوگیری از آن برمی‌آیند. بنابراین افزایش قدرت یک دولت به طور طبیعی به افزایش تمایل دیگران برای محدود کردن و موازنه کردن آن خواهد انجامید (Little, 2008). در این شرایط، باید در نظر داشت که ایران به طور تاریخی به لحاظ قدرت، از همسایگان خود، به ویژه همسایگان جنوبی، برتر بوده است، از این رو، آنان همواره نگران قدرت ایران بوده‌اند. دقت در تاریخ معاصر روابط خارجی ایران نشان می‌دهد که این نگرانی با فراز و فرودهایی ادامه داشته و هرگاه در قدرت ایران تغییرات آشکاری رخ داده، این نگرانی به هراس تبدیل شده است. ایران در حوزه‌های مختلف قدرت، از جمعیت تا وسعت، منابع و موقعیت ژئوپلیتیک، از توان قابل توجهی در منطقه خاورمیانه برخوردار است و همین امر به طور خودکار نگرانی و هراس را در دیگران برمی‌انگیزد. قابلیت‌های ایران در حوزه‌های سنتی و نوین قدرت در مقیاس منطقه‌ای به اندازه‌ای است که این کشور را به عنوان تنها گزینه بالقوه هژمونی منطقه‌ای مطرح می‌کند. بنابراین نخستین عامل نگرانی از ایران یا در شکل حاد آن ایران هراسی، قدرت ایران است و از همین رو ساختاری است، زیرا نمی‌توان در آن تغییری ایجاد کرد. قابلیت‌های ایران، تا حد قابل توجهی فارغ از نوع حکومت حاکم بر آن، در همسایگان ایجاد نگرانی می‌کند (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۴-۱۹۵).

این مسأله بویژه در مورد همسایگان ایران به دلیل مجاورت و نزدیکی بیشتر تشدید می‌شود. زیرا که این گزاره در روابط بین‌الملل پذیرفته شده است که توانایی قدرت نمایی و تهدیدزایی به تناسب فاصله، کاهش یا افزایش می‌یابد دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، قادر به ایجاد تهدیدهای بزرگتری برای یکدیگر هستند تا دولت‌هایی که فاصله جغرافیایی آنان از یکدیگر زیاد است (Walt, 2002). در این میان، با توجه به اینکه غرب برای ایجاد ایران هراسی

به دنبال این هدف است که دیگران را نسبت به اقتدار و توانمندی‌های ایران حساس نمایند از این‌رو، توانمندی‌های ایران در حوزه‌های نظامی مختلف برجسته شده و بر روی آن‌ها مانور صورت می‌گیرد؛ در گزارشی که از سوی مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا تحت عنوان «تهدید در حال شکل‌گیری ایران» منتشر شده (تاجیک، ۱۳۸۱: ۵۲-۵۱) از توانمندی‌های ایران به صورت زیر یاد شده است:

### ۲-۱-۱. دستیابی به توانایی تولید سلاح‌های کشتار جمعی

یکی از مهم‌ترین توانمندی‌های ایران که امروزه محور پروژه ایران هراسی نیز قرار گرفته است، توانمندی هسته‌ای ایران و دستیابی آن به توانایی تولید سلاح‌های کشتار جمعی است. در این زمینه، این گونه بیان می‌شود که: از پایان جنگ ایران و عراق به دلیل اینکه ایران مورد تهاجم شیمیایی از سوی عراق قرار گرفته بود، در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در ایران بر ادامه تحقیقات هسته‌ای تأکید شد. رفته رفته ایران در طراحی سانتریفیوژها به پیشرفت‌هایی دست یافت؛ دامنه این پیشرفت‌ها تا آنجا ادامه یافت که امکان ساخت تأسیسات کوچک و پراکنده با ردیف‌های درهم فشرده سانتریفیوژ توسط ایران فراهم گردید؛ امری که کشف و نابودی آن‌ها را بسیار دشوار می‌سازد. از سوی دیگر، ایران از توانمندی ساخت سلاح‌های شیمیایی برخوردار گردیده است و احتمالاً قادر به تولید گاز اعصاب و استفاده از آن در کلاهک موشک‌ها و بمب‌های خوشه‌ای می‌باشد. همچنین ایران دارای توانایی تولید سلاح‌های بیولوژیکی پیشرفته است و می‌تواند از آن‌ها به عنوان مکمل یا جانشین سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند (Cordesman, 2009: 2-11).

### ۲-۱-۲. برنامه‌های موشکی

آن گونه که آزمایش موشک‌های سوخت جامد ایران نشان داده است، برنامه‌های موشکی ایران بخش مهم دیگری از تلاش‌های این کشور برای ارتقای توانمندی‌های نظامی به‌شمار می‌رود. هرچند موشک‌های ساخت ایران به لحاظ قابلیت اطمینان و دقت هنوز نقایصی دارند، اما کاربرد آن‌ها با سلاح‌های کشتار جمعی که می‌تواند توسط کلاهک‌هایشان حمل شود، می‌تواند تهدیدی عمده به‌وجود آورد (Intelligence on Iran, 2016).

### ۲-۱-۳. توسعه نیروهای نظامی متعارف

ایران به طور مستمر در پی گسترش نیروهای متعارض خود در جهت افزایش نفوذ، محدود ساختن گزینه‌های نظامی آمریکا، ارباب همسایگان و نمایش قدرت خود می‌باشد.

هرچند ایران به دلیل تحریم‌های آمریکا نتوانسته است در جهت نوسازی نیروی نظامی متعارف خود با موفقیت عمل کند، با این وجود، از دیرباز با روسیه مشغول مذاکره جهت خرید انواع هواپیماهای جنگنده، مدرن، موشک‌های زمین به هوا و دفاع موشکی بالستیک بوده است. ایران در این راستا علاوه بر روسیه با سایر کشورها نیز وارد معامله شده و موفق شده است زیردریایی‌هایی از روسیه و کره شمالی و نیز انواع موشک‌های ضدکشتی از چین خریداری نماید. ایران همچنین موشک‌های مدرن هوا به هوا، هوا به زمین و ضدزرهی از چین و روسیه خریداری کرده است. ایران اینک دارای اژدرهای روسی و احتمالاً مدل‌های پیشرفته مین ساخت روسیه و چین است. در این میان، ایران پس از برجام با آزادی عمل بیشتری به توسعه نیروهای متعارف خود دست زده است بگونه‌ای که علاوه بر S 300 روسی، توانسته است برای خریدهای گسترده‌تر سلاح‌های چینی و سایر کشورها نیز اقدام کند (Wuthnow, 2016: 3).

#### ۲-۱-۴. افزایش توانایی جنگ‌های نامتقارن و نامنظم

به طور کلی از هر سلاحی و از هر نوع نیرویی می‌توان در این نوع جنگ‌ها بهره گرفت و ایران نیز قبلاً توانایی خود را در این زمینه در موارد زیر به نمایش گذاشته است. گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا تحت عنوان «تهدید در حال شکل‌گیری ایران» در ادامه به بررسی برخی از این موارد مانند استفاده از نیروی قدس در عراق، رشته تمرینات و مانورهای نظامی در خلیج فارس و دریای عمان، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بر فراز عراق، حمایت مالی از حزب‌الله و آموزش نیروهای آن: قرار دادن هواپیماهای بدون سرنشین، راکت‌های دوربرد و موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک از نوع کورنت در اختیار این نیرو، ارسال سلاح به حماس و فلسطینی‌ها، حمایت از گروه‌های شیعه در بحرین، آزمایش موشک‌های بالستیک دوربرد و فضایی در جهت ایجاد قابلیت حمله به اسرائیل و کشورهای همسایه، انجام مانورهای نظامی در خلیج فارس با هدف نمایش توانایی حمله به اهداف ساحلی، کشتیرانی و تأسیسات دریایی و... اشاره می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۱: ۵۲-۵۱).

#### ۲-۲. سیاست‌های اعلامی تهاجمی

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری ایران هراسی در غرب به برخی سیاست‌های اعلامی باز می‌گردد که در مواردی توسط برخی مقامات سیاسی و نظامی مطرح می‌شود و از آن در غرب و در منطقه، به نیت تهاجمی ایران تعبیر می‌شود. این سیاست‌های اعلامی، در واقع، پیام‌های نادرستی هستند که فقط برای تقویت ذهنیت منفی علیه ایران و تشدید پروژه ایران



هراسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این زمینه می‌توان به مواردی مانند: تهدید انسداد تنگه هرمز، هدف قرار دادن کشورهای منطقه، گسترش حوزه نفوذ ایران از افغانستان تا مدیترانه، قرار گرفتن عراق در حوزه نفوذ ایران و... اشاره کرد (Wood, 2012). این سیاست‌های اعلامی، زمینه عینی‌تر شدن تهدید ایران برای غرب را بوجود می‌آورد و با بازنمایی رسانه‌ای آن‌ها، تهدید ایران به شکلی ملموس‌تر احساس می‌گردد و تلاش می‌شود نیات ایران تهاجمی نشان داده شود تا در دیگران نگرانی و هراس تولید کند. در واقع، آنچه از سوی غرب و نیز اسرائیل در مورد نیات تهاجمی ایران مطرح می‌شود، بازتاب نگرانی‌های آنان از ارتقای نقش منطقه‌ای ایران و نفوذ معنوی ایران در سراسر منطقه است که به دلیلی سیاست‌های اعلامی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این در حالی است که ملت ایران هرگز تا کنون نیات تهاجمی نداشته و اقدام نظامی علیه همسایگان خود در یکصد سال اخیر نیز نداشته است.

## ۲-۳. ایجاد فضای ایران هراسی در غرب

مسلماً یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایران هراسی در غرب به فضا سازی علیه ایران در غرب باز می‌گردد. این مسأله فارغ از قدرت ایران یا برخی سیاست‌های اعلامی که به نیات تهاجمی ایران از آن یاد می‌شود، در راستای منافع غرب برای مقابله با ایران با تحریف واقعیات مسلم از سیاست داخلی و خارجی ایران، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع، با توجه به اینکه هرگونه قدرت یابی ایران در منطقه می‌تواند نظم مطلوب غرب را به خطر اندازد، از این رو، برجسته کردن به اصطلاح اقدامات بالفعل و بالقوه ایران در جهت موازنه سازی علیه ایران و برای این منظور عینیت بخشیدن بیشتر به ایده ایران هراسی صورت می‌گیرد. در همین راستا، برنامه هسته‌ای ایران که برای مقاصد صلح آمیز و در جهت ارتقای توانایی‌های علمی و تکنولوژیک ایران طرح ریزی شده است، برنامه‌ای با اهداف نظامی معرفی می‌شود که هدف آن نابودی اسرائیل است، حمایت ایران از مردم فلسطین، حمایت از تروریسم و کارشکنی در روند صلح خاورمیانه نمایش داده می‌شود و گسترش پیام معنوی انقلاب اسلامی در کشورهای همسایه به عنوان قصد ایران برای براندازی رژیم‌های حاکم بر این کشورها نشان داده می‌شود. در مجموع، غربی‌ها از طریق فضای رسانه‌ای چنین القا می‌کنند که توانمندی‌ها و نیات تهاجمی ایران می‌تواند به اقدام از جانب ایران تبدیل شود. آنان تلاش می‌کنند تا این دیدگاه را القا کنند که اقدامات ایران در جهت بسط نفوذ قدرت آن در منطقه با توجه به توانمندی‌های ایران در حوزه نظامی و غیرنظامی در هر یک از کشورها بر اساس ویژگی‌های خاص آن کشور و نوع

روابطی که با ایران دارد، به اجرا در می‌آیند. برای مثال، در کشورهایی که دارای اقلیت شیعی هستند، حمایت از گروه‌های مبارز شیعه در جهت ایجاد بی‌ثباتی در این کشورها در دستور کار قرار می‌گیرد. کشورهایی که میزبان پایگاه‌های آمریکا یا دیگر کشورهای غربی در منطقه هستند، به عنوان اهداف بالقوه عملیات نظامی تعیین می‌شوند. همچنین افزایش توانمندی‌های ایران در آینده و در نتیجه بالا رفتن میزان تهدید آفرینی ایران می‌تواند کشورها را به تغییر رفتار در جهت خواسته‌های آن وادار سازد. خلاصه اینکه تهدید ایران به صورتی نمایش داده می‌شود که جنبه‌های بالقوه و بالفعل آن برجسته شود. بدین ترتیب، ایران هراسی جنبه ملموس‌تری پیدا می‌کند و خطر ایران دائمی و قریب‌الوقوع به نمایش در می‌آید (Banai, 2014).

### ۳. ابعاد و اشکال ایران هراسی در غرب

همانگونه که اشاره شد، پروژه ایران هراسی در سه دهه گذشته در دستور کار غرب قرار داشته است. هدف اصلی از اجرای این پروژه، امنیتی کردن فضای ایران و تلاش برای معرفی ایران به عنوان تهدیدی علیه کشورهای منطقه و صلح و امنیت بین‌الملل بوده است. پروژه ایران هراسی و بیان این طرز تلقی که ایران برهم‌زننده نظم عمومی بین‌المللی و همچنین مداخله‌گر در امور کشورهای منطقه بوده و به سبب ماهیت ایدئولوژیک آن بحران‌های منطقه‌ای دامنه‌دار می‌شود در ابعاد و اشکال مختلف از طرف کشورهای غربی دنبال شده است. در ذیل به تفکیک به مهمترین اشکال و ابعاد مختلف که ایران هراسی اشاره می‌شود:

#### ۳-۱. ایجاد هراس از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران

یکی از ابعاد ایران هراسی که در رسانه‌های غربی به صورت مداوم بر آن تأکید می‌شود، تلاش برای تحریف ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا تلاش می‌شود تا در افکار عمومی جهانی بویژه شهروندان دولت‌های غربی که شناختی از ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران و ارزش‌ها و اهداف والای آن ندارند، چهره‌ای ترسیم شود که در آن، نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام انقلابی توسعه طلب، مخالف هرگونه ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و حتی اخلاقی و دینی غربی تلقی گردد که درصد بسط نفوذ خود نه تنها در منطقه بلکه در سطح نظام بین‌الملل و نابودی آن می‌باشد (Gold, 2015: 2-7). این پروژه بویژه با بازسازی انحرافی تاریخ ایران در هالیوود و ساخت آثار سینمایی مانند فیلم ۳۰۰، الکساندر، اورشلیم؛ شمارش معکوس و... نیز پیگیری می‌شود.

### ۲-۳. سیاه‌نمایی وضعیت داخلی ایران

پروژه ایران هراسی غربی با تحریف وضعیت سیاسی-اجتماعی داخلی ایران و سیاه‌نمایی آن تلاش دارد تا با ارائه تصویری از شرایط کنونی ایران به عنوان یک کشور بدوی، توسعه نیافته، ناقص حقوق بشر بویژه زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی، که در آن قوانین بسیار سختگیرانه مذهبی در چارچوب نظام غیردموکراتیکی که دائماً به نقض حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندانش می‌پردازد حاکم است، افکار عمومی جهانی را برای پذیرش و القای سیاست‌های مقابله جویانه غرب علیه این کشور آماده نماید. در این راستا نیز علاوه بر فضا سازی رسانه‌ای خبری غرب، هالیوود با ساخت فیلم‌های متعددی در این زمینه علیه ایران از جمله فیلم‌هایی مانند بدون دخترم هرگز، پرسپولیس، سنگسار ثریا، گلاب و... تلاش می‌کند تا این موضوع را به مخاطب خود القا کند.

### ۳-۳. تحریف اهداف و اقدامات سیاست‌های نظامی ایران

مهم‌ترین وجه غالب ایران هراسی در سال‌های اخیر بر بزرگ‌نمایی و تحریف اهداف و اقدامات سیاست‌های نظامی ایران متمرکز شده است. در این راستا، با تمرکز بر توانمندی‌های نظامی ایران بر تلاش آن برای ساخت تسلیحات موشکی، سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی تأکید می‌شود و با بزرگ‌نمایی حضور و نفوذ آن در منطقه و در نظام بین‌الملل، سیاست‌ها و اهداف ایران به عنوان توسعه طلبی و گسترش نفوذ در منطقه و جهان و حمایت از تروریسم بین‌الملل القا می‌گردد (ملک محمدی و محمدی، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۵). در این زمینه، با تمرکز بر غیرصلح‌آمیز معرفی کردن پیشرفت‌های نظامی ایران و معرفی آن به عنوان محور و کانون شرارت در جهان که به دنبال استیلا بر کشورهای منطقه و سایر کشورها نیز می‌باشد، از یکسو بر مواردی مانند تلاش ایران برای گسترش نفوذ و مداخله در منطقه بویژه در کشورهای با اقلیت شیعه، حمایت از گروه‌های تروریستی با هدف کارشکنی و اخلال در روند صلح خاورمیانه، ارتباط ایران با القاعده و داعش و... اشاره می‌شود و از سوی دیگر، سیاست‌های آن برای نفوذ در سایر مناطق از جمله آمریکای لاتین برای مقابله با امریکا، بزرگ‌نمایی می‌گردد.

### ۴. سطوح ایران هراسی

با توجه به آنچه گفته شد، ایران هراسی در غرب به عنوان یک پروژه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در ابعاد، اشکال مختلف و در سطوح متفاوتی صورت می‌گیرد. در این میان، ایران

هراسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری می‌گردد که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱. ایران هراسی در سطح منطقه‌ای

اولین و مهم‌ترین سطح ایران هراسی در منطقه آسیای جنوب غربی با تمرکز بر کشورهای منطقه خلیج فارس صورت می‌گیرد. این سطح از ایران هراسی با هدف ایجاد ترس از نظام جمهوری اسلامی ایران در میان همسایگان آن طراحی شده است. در این زمینه با توجه به تفاوت طبیعی قدرت ایران و کشورهای منطقه از نظر جغرافیا، جمعیت، نیروی نظامی و...، صرفاً با تمرکز بر این توانمندی‌ها و القای نیات تهاجمی ایران، ذهنیت ایران هراسی در میان دولت‌های منطقه تشدید می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به سابقه تاریخی گسترده تمایزات و اختلافات قومیتی (عرب-عجم) و مذهبی (شیعی-سنی) بر ریشه‌های تردید و تهدید این کشورها نسبت به ایران افزوده می‌شود. همچنین با تمرکز بر اهداف و آرمان‌های انقلاب و اصولی مانند صدور انقلاب اسلامی بر تلاش ایران برای سلطه بر منطقه تأکید شده و از این طریق بر ایران هراسی موجود دامن زده می‌شود. (نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۳) مسلماً در این میان، تلاش برخی کشورهای منطقه برای بهره برداری از این فضای ایران هراسانه نیز خود بر شدت ایران هراسی می‌افزاید از جمله سیاست‌های عربستان در رقابت با ایران، سیاست‌های امارات و بحرین علیه ایران و در گذشته، سیاست‌های عراق در دوره صدام علیه ایران با تمرکز بر ایران هراسی صورت می‌گرفته است.

در سال‌های اخیر بویژه از زمان اشغال عراق و حاکمیت اولین دولت شیعی در این کشور، بر دامنه ایران هراسی افزوده شده است. این مسأله بویژه با طرح هلال شیعی تقویت شد. اصطلاح هلال شیعه، نخستین بار از سوی عبدالله دوم، پادشاه اردن، مطرح شد و سپس توسط حسنی مبارک و سایر رهبران عربی بارها تکرار شد. منظور از هلال شیعی نیز اتصال کشورهای ایران و عراق پس از صدام که شیعیان به قدرت رسیده‌اند و سایر کشورهای شیعه نشین منطقه بود. بنابراین، عملاً طرح خطر شکل‌گیری هلال شیعی توسط رهبران عربی منطقه، القای خطر شدت یافتن روابط شیعیان با ایران و گسترش قدرت ایران در منطقه بود. به عبارت دیگر، پشت پرده مطرح کردن اصطلاح هلال شیعی، تلاش برای القای ایران هراسی در منطقه بود. چنانچه در مقاله‌ای تحت عنوان «طرح ایران برای تحقق رویای هلال شیعی»، احمد خالد نویسنده مصری، مواضع ایران نسبت به بهار عربی را بررسی می‌کند. خالد در این مقاله که در سایت

«التغییر» در سال ۲۰۱۲ منتشر شده می‌نویسد: ایران از مواضع خود در قبال تحولات منطقه خاورمیانه، رؤیای هلال شیعی که هدف انقلاب این کشور است را پیگیری می‌کند. ایران، جزء اولین کشورهایی بود که به مصر به دلیل پیروزی انقلاب و سرنگونی حسنی مبارک تبریک گفت ... مشکلات داخلی و چالش‌های اقتصادی برخی کشورهای منطقه از جمله اردن را فرصت خوبی می‌داند که بتواند با نفوذ در این کشورها، طرح هلال شیعی را از کشورهای لبنان، سوریه، عراق و اردن تا کشورهای حوزه خلیج فارس پیش ببرد. شاید یک دلیل برای حمایت تهران از دمشق نیز این باشد که سوریه بخشی از هلال شیعی مورد نظر ایران است این مسأله با تحولات بعدی منطقه مانند تحولات عراق، سوریه، یمن و... و همچنین تشدید تنش میان ایران و عربستان پس از اشغال سفارت عربستان در ایران و قطع روابط دو کشور و رقابت‌های آنان در جنگ‌های منطقه‌ای رو به تصاعد گذاشت.

#### ۴-۲. ایران هراسی در نظام بین الملل

دومین سطح ایران هراسی، در سطح بین‌المللی در جریان است. در این سطح با تمرکز بر تهدید هسته‌ای و موشکی ایران برای امنیت و ثبات بین‌المللی، حمایت آن از تروریسم بین‌الملل و القای ماهیت ضدحقوق بشری نظام سیاسی حاکم بر ایران تأکید شده است. در واقع، در سطح بین‌المللی، تلاش می‌شود تا اینگونه القا شود که ایران با دستیابی به بمب اتم و سیستم انتقال آن، می‌تواند خاک اروپا و آمریکا را نیز تهدید کند. همچنین اینگونه القا می‌گردد که ممکن است ایران با انتقال تسلیحات هسته‌ای و یا موشک‌های دوربرد خود به گروه‌های تروریستی، زمینه منازعات گسترده تروریستی در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل را بوجود آورد. در این میان، باید توجه داشت که ایران هراسی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، هر دو در راستای دستیابی به یک هدف یعنی جلوگیری از افزایش قدرت ایران و دستیابی به موقعیت برتر در منطقه و ممانعت از تلاش ایران برای پیگیری اصول و اهداف انقلاب اسلامی است. در واقع، از طریق القای ترس از قدرت هژمونیک ایران و سیاست‌های جاه طلبانه آن در منطقه و در نظام بین‌الملل، سیاست غرب برای مقابله با انقلاب اسلامی پیگیری می‌شود.

#### ۵. پیامدهای ایران هراسی بر امنیت ملی ایران

پروژه ایران هراسی غرب علیه انقلاب اسلامی ایران، آثار و پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت ملی ایران برجا گذاشته است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

### ۵-۱. ایران هراسی و تشدید تنش در روابط ایران و همسایگان

با توجه به اینکه به لحاظ تاریخی، سیاسی و ایدئولوژیک، اختلافاتی میان ایران و همسایگان آن بویژه دولت‌های عربی از گذشته تا کنون در قالب اختلافات عرب و عجم یا شیعه و سنی و... وجود داشته و سپس رقابت‌های سیاسی نیز بویژه پس از انقلاب اسلامی به آن دامن زده است، القای ایران هراسی توسط غرب عملاً سبب شده است که ذهنیت منفی کشورهای منطقه نسبت به ایران تشدید شده و فضای تنش آلود در روابط آنان تقویت گردد. در واقع، در سایه ایران هراسی، دولت‌های منطقه دائماً نگران سیاست‌ها و اقدامات ایران هستند و معمای امنیت در منطقه تشدید شده که نتیجه آن نیز رقابت‌های تسلیحاتی گسترده در منطقه می‌باشد (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۶-۱۵۷).

### ۵-۲. همگرایی دولت‌های منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای

ضعف قدرت ملی همسایگان ایران در پرتو ایران هراسی سبب شده است تا این کشورها برای حفظ نظام سیاسی خود از یک دشمنی که در همجواری آنان قرار گرفته است، به روابط گسترده با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و ایجاد پیمان‌های سیاسی-امنیتی روی آورند که نتیجه این مسأله استقرار نیروهای بیگانه در منطقه و پیچیدگی بیشتر مسائل منطقه‌ای شده است.

### ۵-۳. ائتلاف چرخ پره‌ای میان دولت‌های منطقه و آمریکا

مهم‌ترین نمونه همگرایی دولت‌های منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای در پرتو ایران هراسی، شکل‌گیری ائتلاف چرخ پره‌ای است که یک ائتلاف ضد ایرانی در منطقه با مدیریت قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. براین اساس، در وضعیت کنونی ائتلافی علیه ایران و در اثر هراس واقعی و تصویری از ایران در منطقه شکل گرفته است که در آن، غرب، اعراب و اسرائیل به دلایلی مشترک و متفاوت، ایران را تهدید، تصور می‌کنند و با هراس به کنش‌های آن می‌نگرند و از همین رو است که ائتلافی علیه ایران شکل داده‌اند. این ائتلاف را می‌توان چرخ-پره‌ای نامید، بدان معنا که ایالات متحده به مثابه چرخ و محور ائتلاف عمل می‌کند و اسرائیل با همراهی با آن، به پره‌های این ائتلاف شکل می‌دهند و سعی در موازنه‌گری در برابر ایران دارند. (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۲۰۲-۲۰۱).

### ۵-۴. کارکرد ایران هراسی در اعمال فشار علیه ایران

یکی دیگر از مهم‌ترین تأثیرات ایران هراسی را می‌توان در کارکرد آن برای اعمال فشار علیه ایران مشاهده کرد. بدین گونه که با ایجاد ترس از ایران، انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی و... و

تأکید بر حمایت آن از تروریسم، تلاش در دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، نقض گسترده حقوق بشر و مواردی از این قبیل، زمینه برای هرگونه اعمال فشار علیه ایران بوجود می‌آید. اقدامی که غرب بویژه آمریکا و اسرائیل در پرونده هسته‌ای ایران بارها با تأکید بر خطر قریب الوقوع ایران هسته‌ای و پیامدهای گسترده ناشی از آن، برای جلب افکار عمومی داخلی و بین‌المللی و همچنین ضرورت افزایش تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران استفاده کرد.

### نتیجه‌گیری

ایران هراسی یک پروژه عملیاتی شده توسط غرب است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون به اجرا درآمده است. این پروژه با هدف مقابله با انقلاب اسلامی و قدرت‌یابی ایران در منطقه و گسترش آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب ایران است. در این راستا، غرب تلاش کرده تا با استفاده از ابزارهای مختلف بویژه در رسانه‌های بین‌المللی به ارائه چهره غیرواقعی از ایران و ایجاد ترس و هراس از آن بپردازد. در این زمینه، غرب سیاست ایران هراسی را با تمرکز بر چند محور عمده از جمله بزرگ‌نمایی برنامه هسته‌ای ایران و ادعاهایی مانند نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران، حمایت از تروریسم، ممانعت در فرایند صلح خاورمیانه، مداخله در امور داخلی کشورهای همسایه و... پیگیری نموده است. این موارد در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دائماً تکرار شده تا مورد پذیرش افکار عمومی بین‌المللی قرار گیرد. نتیجه این القای تهدید از ایران در منطقه سبب شده است تا روابط ایران و همسایگان آن در فضایی تردید آمیز از اهداف و نیات ایران در نظر رهبران دولت‌های منطقه شکل گیرد که مسلماً به تشدید واگرایی میان آنان منجر شده است. از سوی دیگر، دولت‌های منطقه با احساس تهدید نسبت به ایران به همگرایی با قدرت‌های فرامنطقه و حتی شکل دهی به ائتلاف چرخ پره‌ای روی آورده‌اند که مشکلات متعدد سیاسی - امنیتی را نه تنها برای ایران بلکه برای منطقه به دنبال داشته است. علاوه بر این، با گسترش ایران هراسی در نظام بین‌الملل، غرب تلاش کرده تا به مهار اندیشه صدور انقلاب با این عنوان که ایران به دنبال اهداف جاه طلبانه‌ای در منطقه و در نظام بین‌الملل است بپردازد که البته، به تشدید فشارها و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران منجر شده است. مجموعه این عوامل سبب افزایش تهدیدات امنیت ملی ایران و چالش‌های سیاست خارجی و امنیتی ایران در منطقه و در نظام بین‌الملل شده است. براین اساس، با توجه به این مساله به نظر می‌رسد که در این شرایط ایران باید برای زدودن ایران هراسی غرب در دو سطح

گام بردارد. در سطح اول در تعامل با دولت ها با محوریت تنش زدایی با کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ به افزایش تعاملات در حوزه‌های مختلف دست زند و در سطح دوم در تعامل با ملت ها با تمرکز بر دیپلماسی عمومی، ذهنیت هراس آلود از ایران را برطرف نماید مسلماً این مسأله مستلزم یک مدیریت منسجم و هوشمند و بهره مندی از ابزارهای مختلف دیپلماسی است.

### فهرست منابع

#### الف) منابع فارسی

- آدمی، علی؛ حبیبی، سید مهدی و بخشی تلیابی، رامین (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت‌های عربی منطقه»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، بهار، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۴۱.
- ایزدی، فواد؛ مهربانی فر، حسین؛ چابکی، رامین و متین جاوید، مهدی (۱۳۹۲). «ایران هراسی در آمریکا: بازنمایی شرق شناسانه از برنامه هسته‌ای ایران در مستند ایرانیوم»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۵، زمستان، صص ۹۲-۶۹.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: رهیافت‌ها و راهبردها، تهران: فرهنگ گفتمان.
- شریعتی نیا، محسن (۱۳۸۹). «ایران هراسی: دلایل و پیامدها»، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۲، شماره ۶، تابستان، صص ۲۰۸-۱۹۱.
- صدرا، محمد (۱۳۸۶). «نظریه‌های گفتمان از زبان شناسی تا علوم سیاسی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، تابستان و پاییز، شماره ۹ و ۱۰، صص ۲۰۸-۱۷۱.
- ملک محمدی، حمیدرضا و داوودی، مهدی (۱۳۹۱). «تأثیر ایران هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان، ۲۲۷-۲۴۶.
- نورمحمدی، مرتضی و کاظمی، حجت (۱۳۸۱). «جایگاه فرهنگ در تکوین ایران هراسی فرهنگی در کشورهای حوزه خلیج فارس»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۳، شماره ۱۲، بهار، صص ۸۷-۱۱۴.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان»، ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۵۶.



- Banai, Hussein (2014). "The Myth of Iranian Hegemony", **Policy Options**, <https://www.clarionproject.org>.
- Cordesman, Anthony H; Burke, Arleigh A & Seitz, Adam C., (2009). **Iranian Weapons of Mass Destruction: Strategic and Warfighting Implications of a Nuclear Armed Iran**, Center for Strategic International Studies.
- Eisenstadt, Michael (2015). **The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran**, the Washington Institute for Near East.
- Gold, Dore (2015). "Iran's Hegemonic Drive and the Nuclear Talks", **Friends of Israel Initiative**, <http://www.friendsofisraelinitiative.org/>.
- Howarth, David, Norval, A & Stavrakakis, G., (2000). **Discourse Theory and Political Analysis**, Manchester university press.
- Jorgensen, M. & Phillips, L., (2002). **Discourse Analysis as Theory and Method**, London: Sage Publications.
- Little, R., (2008). **The Balance of Power in International Relations: Metaphors, Myths and Models**, London: Cambridge University Press.
- Smith, Anna Marie (1998). **Laclau and Mouffe**, Routledge.
- Walt (2002). "Keeping the World: Off-Balance: Self-Restraint and U.S. Foreign Policy", in: J. G. Ikenberry, America Unrivaled: **The Future of the Balance of Power**, New York: Cornell University Press.
- Wuthnow, Joel (2016). **Posing Problems without an Alliance: China-Iran Relations after the Nuclear Deal**, Institute For National Strategic Studies.
- Wood, David (2012). US-Iran Mine Warfare Persian Gulf, **Huffington post**, [http://huffingtonpost.com/2012/02/27/us-iran-mine-warfare-persian-gulf\\_n\\_1304107.html](http://huffingtonpost.com/2012/02/27/us-iran-mine-warfare-persian-gulf_n_1304107.html).

